

ابعاد حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه مقررات صادرات و واردات

محمد رضا پاسبان* - سعید جواندل** - علی حیدریان اله آباد***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲)

چکیده

سازمان جهانی تجارت با بیش از ۱۶۰ عضو نزدیک به ۹۸ درصد از تجارت جهانی را در اختیار دارد؛ با عضویت در این سازمان، علی‌رغم تنگناها و فشارهای اقتصادی که ممکن است در کوتاه‌مدت برای کشور داشته باشد، می‌توان امیدوار بود از جهات اقتصادی و حتی فرهنگی - اجتماعی و به‌ویژه ارتقای سطح جهانی ایران در بلندمدت منافع فراوانی در پی داشته باشد و به همین جهت امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. آزادی تجارت، کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع غیر تعرفه‌ای، از اصول و اهداف سازمان جهانی تجارت است. در همین راستا قواعد و مقرراتی در این سازمان تدوین شده که هر کشور متقاضی عضویت باید قوانین و مقررات داخلی خود را با این قواعد تطبیق دهد. از جمله قوانین داخلی ایران که اهمیت فراوانی در زمینه تجارت خارجی دارد و نیازمند مطابقت با مقررات سازمان جهانی تجارت است قانون مقررات صادرات و واردات است. در این مقاله به بررسی تطبیقی مفاد این قانون با موافقت‌نامه‌های متناظر سازمان جهانی تجارت در سه زمینه حمایت از تولیدات داخلی، محدودیت‌های وارداتی و تشویق صادرات می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: قانون مقررات صادرات و واردات، سازمان جهانی تجارت، اصل رفتار ملی، الحاق

mpasban@atu.ac.ir

javandel.law@gmail.com

ali.h.law@gmail.com

* دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

*** کارشناس حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

۱. مقدمه

موضوع «جهانی شدن» از پدیده‌های شگرفی است که در قرن بیستم و قرن حاضر توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب نموده است. رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ که نتیجه سیاست‌های حمایت گرایانه کشورهای صنعتی جهان بود و جنگ جهانی دوم این ایده را تقویت کرد که کشورها با آزادی تجاری، به رشد اقتصادی مطلوب‌تری نائل خواهند آمد. نیاز به برقراری یک سیستم حقوقی برای تضمین آزادی تجاری و رد و بدل آزادانه کالا بین کشورها از نیازهای فوری پس از جنگ جهانی دوم بود.

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت گات ۱۹۴۷ که تنها یادگار طرح پرافت‌وخیز تشکیل سازمان بین‌المللی تجارت است با اهدافی چون ارتقاء سطح زندگی مردم کشورهای عضو، فراهم آوردن امکانات اشتغال کامل، افزایش درآمدهای واقعی و سطح تقاضا، بهره‌برداری مؤثر از منابع جهانی و گسترش تولید و تجارت بین‌المللی، در حدود پنجاه سال عمر خود دستاوردهای قابل توجهی در زمینه آزادسازی تجاری، کاهش تعرفه‌های گمرکی و تنظیم روابط تجاری بر اساس مقررات حقوقی به دست آورد.^۲

در طول عمر گات هشت نوبت مذاکرات صورت گرفت که در دور هشتم که به دور طلایی اروگوئه معروف است و بیش از هشت سال (۱۹۸۶-۱۹۹۴) به طول انجامید تحولات اساسی در تنظیم روابط تجاری بین‌المللی ایجاد شد و نهایتاً منجر به تشکیل سازمان جهانی تجارت گردید. تشکیل سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ یکی از اتفاقات مهم تجاری و اقتصادی اواخر قرن بیستم بود. الحاق به این سازمان، متعهد شدن به یکسری مقررات و اصولی است که در موافقت‌نامه‌های سازمان منعکس است. در موضوعات مرتبط با تجارت جهانی، سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های آن، نقشی شبیه به قانون اساسی در نظام‌های ملی را ایفا می‌کند. بدین معنی که همانند مجالس قانون‌گذاری که حق ندارند با وضع قوانین عادی اصول مطرح شده در قانون اساسی خود را نقض کنند، سیاست و تدابیر اقتصادی و تجاری یک کشور نباید در تعارض با اصول، تعهدات و مقررات سازمان جهانی تجارت باشد. بنابراین نقش سازمان جهانی تجارت ایجاد ثبات در مقررات و اصول تجارت خارجی کشورهای عضو است تا کشورها نتوانند برای

^۱ Globalization

^۲ امیدبخش، اسفندیار (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاسی نظام تجارت جهانی و تجارت خارجی ایران، تهران، انتشارات میلاد نور.

نیل به اهداف کوتاه‌مدت و زودگذر خود سیاست‌هایی اتخاذ نمایند که موجب بحران اقتصادی در سطح بین‌المللی شود. سازمان جهانی تجارت مکانیزمی است که به کشورها امکان می‌دهد تا ضمن پایه‌گذاری سیاست‌های اقتصادی و تجاری خود بر اساس اصول و مقررات حقوقی، به این سازمان بپیوندند.^۱

بر پایه ماده ۱۲ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، هر دولت یا قلمرو گمرکی مستقلی که در اداره روابط تجاری خارجی و سایر امور پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه تأسیس سازمان و موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه، خودمختاری کامل داشته باشد، می‌تواند طبق شرایطی که میان آن کشور یا قلمرو گمرکی و سازمان مورد توافق قرار می‌گیرد به آن ملحق شود.

علاوه بر تعهدات کلی در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت که مبتنی بر دسته‌ای از اصول بنیادین همچون رقابت آزاد، تجارت منصفانه و عدم تبعیض می‌باشد، هر عضو سازمان موظف به رعایت تعهداتی است که به هنگام مذاکره با سازمان در پروتکل‌های الحاق پذیرفته که جداول تعرفه و امتیازات متقابل را شامل می‌شود. به جز این تعهدات که به مجرد عضویت در سازمان برای هر عضو ایجاد می‌شود، اعضاء ضمناً مکلفند انطباق قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های اداری خود با تعهداتی که طبق موافقت‌نامه‌های فوق‌الذکر و پروتکل الحاق پذیرفته‌اند را تضمین کنند (بند ۴ ماده ۱۶ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت).^۲

با توجه به مراتب فوق، در صورت الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، الزاماتی در زمینه رعایت یک‌جانبه‌ی موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه و تطبیق قوانین داخلی با آنها به وجود می‌آید. از جمله قوانین اصلی کشور که بازرگانی خارجی براساس آن جریان می‌یابد، قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب فروردین ۷۳ و جداول تعرفه ضمیمه قانون یادشده است که هر سال ممکن است تغییر کند. پرسشی که باید مورد بررسی قرار بگیرد آن است که آیا قانون مقررات صادرات و واردات به‌عنوان اصلی‌ترین قانون در زمینه تجارت خارجی با توجه به موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت و اصول بنیادین آن قانونی مناسب بوده و نیاز به اصلاح ندارد یا اینکه قانونی است که با توجه به همین اصول و موافقت‌نامه‌ها، دارای

۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۷۹)، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی، قم، مجله مجمع آموزش عالی قم، شماره ۵.

۲. ترجمه طارم سری، مسعود و دیگران (۱۳۸۵)، اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت/نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

نارسایی‌هایی است و اصلاح آن اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؟

با نگاهی گذرا به مقررات صادرات و واردات و بررسی و تطبیق آن با اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت به این نتیجه می‌رسیم که این مقررات در مواردی با اصول مذکور ناهماهنگ و گاه مغایر است. از جمله آنکه مطابق ماده ۱۱ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، اعضا نباید هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه‌بندی، مجوزهای صادراتی و وارداتی یا از طرق دیگر در مورد ورود هر محصولی از سرزمین عضو دیگر و یا صدور هر محصولی که مقصد آن سرزمین عضو دیگر باشد وضع یا حفظ کنند. البته تعرفه‌های تعیین‌شده و احتمالاً سایر محدودیت‌های مجاز که قبلاً مورد توافق قرار گرفته است، از این حکم مستثنی است؛ اما در اجرای سیاست تحدید واردات، محدودیت‌های وارداتی به صورت گوناگون در قانون مقررات صادرات و واردات ایران ملاحظه می‌شود، از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به تحدید ورود برخی از کالاها در ماده ۲، اولویت حمل کالاهای وارداتی با وسیله نقلیه ایرانی در ماده ۶، ثبت سفارش در ماده ۸، قیمت‌گذاری کالاهای مستعمل بر پایه قیمت کالاهای مشابه نو در تبصره ماده ۴۲ آئین‌نامه اجرایی این قانون اشاره کرد.

قانون مقررات صادرات و واردات در سه مقوله با مقررات ماهوی موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه ارتباط می‌یابد که عبارتند از «حمایت از تولیدات داخلی»، «اعمال محدودیت‌های وارداتی» و «تشویق صادرات» که ابتدا اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت مختصراً بررسی شده و سپس مقررات صادرات و واردات در سه زمینه فوق با موافقت‌نامه‌های متناظر آن در سازمان مورد بررسی تطبیقی قرار خواهد گرفت.

با توجه به اینکه در این مقاله تلاش بر این بوده است که موانع حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه مقررات صادرات و واردات بررسی و تحلیل شود، جز در موارد ضرورت از تحلیل‌های اقتصادی الحاق ایران به این سازمان خودداری می‌شود.

۲. اصول بنیادین حاکم بر سازمان جهانی تجارت

برای ورود یا با ورود به سازمان جهانی تجارت، اصول چندی باید مورد توجه کشور متقاضی عضویت یا دولت عضو باشد که از این میان دو اصل بنیادین که عبارتند از «حمایت از تولیدات



داخلی» و «اصل رفتار ملی» جایگاه ویژه‌ای دارند.

۲-۱. حمایت از تولیدات داخلی

باینکه مقررات سازمان جهانی تجارت از سیاست‌های تجارت آزاد پیروی می‌کند، به اعضا اجازه می‌دهد که از تولیدات داخلی خود در مقابل رقابت خارجی با برقراری تعرفه حمایت کنند، مشروط بر آنکه این قبیل اقدامات تنها از طریق تعرفه‌ها اعمال گردد.^۱ به موازات آن، تعرفه‌هایی که کشورها برای حمایت از تولیدات داخلی خود وضع یا حفظ می‌کنند باید کاهش یافته و در نهایت حذف گردد. نرخ‌های تعرفه‌ای که بدین ترتیب در مذاکرات میان دولت متقاضی الحاق و سازمان جهانی تجارت مورد توافق قرار می‌گیرد و همچنین سایر تعهداتی که کشورها تقبل می‌کنند در جداول امتیازات درج می‌شوند. بنابراین هر دولت عضو سازمان جدول جداگانه‌ای دارد و علاوه بر آنکه متعهد است تعرفه یا سایر حقوق گمرکی یا مالیات‌هایی مازاد بر میزان مندرج در جداول خود وضع ننماید، نباید اقداماتی نظیر وضع محدودیت‌های کمی که ارزش امتیازات تعرفه‌ای را کاهش می‌دهد اتخاذ کند. افزون بر آن کشورهای عضو متعهد می‌شوند تا از اتخاذ سیاست‌هایی که به برخورد دوگانه کشور عضو با کالاهای ساخت داخل از یک طرف و کالاهای مشابه وارداتی از طرف دیگر منجر شود، خودداری کنند؛ مانند اینکه مالیات بر فروش کالاهای وارداتی دو برابر مالیات بر فروش کالاهای مشابه تولید داخل باشد. بر اساس ماده ۳ گات ۱۹۹۴، امتیازات و مساعدت‌هایی که کشورهای عضو نسبت به کالاهای وارداتی منظور می‌کنند، نباید از امتیازات و مساعدت‌هایی که کشورهای عضو نسبت به کالاهای تولید داخل معمول داشته‌اند، کمتر باشد به گونه‌ای که منجر به تبعیض شود. بنابراین سیاست‌هایی که در حمایت از تولیدات داخلی اتخاذ می‌شود و کالاهای تولید داخل را نسبت به کالاهای وارداتی در شرایط بهتری قرار می‌دهد، برخلاف مقررات سازمان تجارت جهانی است.^۲

از جمله راه‌های حمایت از تولیدات داخلی وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی است که

^۱ لازم به تأکید است که تحت مقررات سازمان جهانی تجارت و هم‌چنین موافقت‌نامه گات، تنها ابزار قانونی و مجاز برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، تعرفه است. البته این تعرفه‌ها از محدوده توافقی که در جریان الحاق بین کشور متقاضی و سایر کشورهای عضو صورت گرفته و تثبیت گردیده است نباید تجاوز کند.

^۲ فیروزی، مهدی (۱۳۸۴)، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات، تهران، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴.

این امر باعث می‌شود قیمت تمام‌شده‌ی کالاهای وارداتی در کشور عضو افزایش یابد که این روش از گذشته مبنای تعیین میزان حقوق گمرکی و سود بازرگانی در قوانین بوده است.

نرخ‌های تعرفه‌های مندرج در جدول که تعرفه تثبیت‌شده شناخته می‌شود، از جمله بر مبنای محصول به محصول، نرخ تعرفه قبل از مذاکره و نرخ‌ی که در آن سطح، کشور مرتبط در مذاکرات توافق نموده است، فهرست می‌شود. در مذاکرات تجاری راجع به تعرفه‌ها یک کشور می‌تواند در موارد زیر توافق نماید:

- تثبیت نرخ‌های مثبت موجود

- کاهش نرخ‌های موجود و تثبیت آن‌ها

البته برای هر کشور امکان‌پذیر است که تعرفه‌هایش را در سقفی تثبیت کند که از نرخ حاصل از کاهش تعرفه‌ها که در مذاکرات بر سر آن توافق نموده است، بیشتر باشد. در این صورت کشور مخیر است تعرفه‌هایش را در هر زمان بدون نقض هیچ‌یک از تعهداتش تا این سقف افزایش دهد. بیشترین اثر اقتصادی کاهش تعرفه‌ها، در کاهش درآمدهای دولتی منعکس می‌شود. این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که بخش اعظمی از درآمدهای دولت را عوارض گمرکی تشکیل می‌دهد نمایان‌تر است.^۱

به تبع این کاهش تعرفه‌ها متغیرهای اقتصادی کلان از قبیل تولید ناخالص داخلی، تراز پرداخت‌ها و بازار کار ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد که این اثرات در بدو الحاق می‌تواند فشار سنگینی بر بعضی از صنایع وارد کند. برای نمونه در صورت الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و کاهش تعرفه‌ها، صنعت خودرو با مشکل جدی مواجه خواهد شد، چراکه در صورت ورود محصولات مشابه باکیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر، این صنعت توانایی رقابت خود را از دست می‌دهد. به تبع آن بازار کار گسترده‌ای که این صنعت به خود اختصاص داده است نیز متأثر خواهد شد. از این رو هرچند اصل حاکم بر مبادله امتیازات تعرفه‌ای میان دولت‌های مذاکره‌کننده،

۱. ترجمه بینات، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۴)، چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت؛ دبیرخانه آنکتاد، تهران.

اصل عمل متقابل و نفع متقابل است؛^۱ اما بر مذاکرات فی مابین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قاعده عمل متقابل به طور کامل حاکم نیست و از کشورهای در حال توسعه خواسته می شود که بر اساس عمل متقابل نسبی،^۲ امتیازاتی را اعطا کنند.^۳

۲-۲. اصل رفتار ملی^۴

ماده ۳ گات به تشریح اصل رفتار ملی به عنوان دومین اصل بنیادین گات پرداخته است. بر این اساس هیچ یک از اعضای سازمان جهانی تجارت نباید در قبال کالاهای وارداتی به نسبت کالاهای تولید داخل با مطلوبیت کمتری رفتار نمایند.

بر اساس بند اول ماده مرقوم، هدف از متعهد نمودن اعضا به اصل رفتار ملی، اطمینان از عدم به کارگیری اقدامات حمایت گرایانه از تولیدات داخلی به نسبت کالاهای وارداتی است. به بیان دیگر اقدامات داخلی نباید منجر به حمایت بیشتر از کالاهای داخلی به نسبت کالاهای خارجی شود.^۵

^۱ به این ترتیب کشوری که از طریق کاهش تعرفه‌ها یا رفع سایر موانع نظیر محدودیت‌های کمی خواستار دسترسی بیشتر به بازارهای سایر کشورهاست باید آماده باشد تا در تعرفه‌ها یا در سایر زمینه‌هایی که کشورهای دیگر سودمند تلقی می‌کنند امتیازاتی را اعطا کند.

^۲ قاعده عمل متقابل نسبی این واقعیت را مدنظر قرار می‌دهد که به خاطر سطح پایین تر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نیازهای تجاری و مالی آنها، این کشورها ممکن است قادر نباشند امتیازاتی را بر همان مبنا که کشورهای توسعه یافته می‌دهند، اعطا کنند. با این وجود، طبق این قاعده تمام کشورهای در حال توسعه در سطح یکسانی قرار ندارند و برخی از آنها به ویژه کشورهای تازه صنعتی شده به مراحل رشد بالاتری دست یافته‌اند. از این کشورها خواسته می‌شود در قالب کاهش تعرفه‌ها و تثبیت آنها نسبت به سایر کشورهایی که در مرتبه پایین تر رشد اقتصادی قرار دارند، امتیازات بیشتری اعطا کنند. هم چنین این قاعده مفهوم فراغت (Graduation) را نیز در بردارد، زیرا تصدیق می‌کند که به موازات رشد کشورهای در حال توسعه، این کشورها به تدریج به مرتبه بالاتر می‌رسند و در نهایت ممکن است قادر باشند بر مبنایی مشابه با کشورهای توسعه یافته امتیازات تعرفه‌ای اعطا نمایند.

^۳ طارم سری، مسعود (۱۳۷۵)، قانون مقررات صادرات و واردات و الزامات حقوقی سازمان جهانی تجارت، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

^۴ National Treatment

^۵ به عبارت دیگر فلسفه وضع این اصل آن است که در تجارت آزاد که بازار، تعیین کننده اصول رقابت بوده و افراد فعال تر در بازار، برنده هستند؛ نباید تبعیض‌های دولت کشور میزبان، این فضای رقابت را مخدوش کرده و دولت مزبور، با اعطای

در بند یادشده، اقدامات داخلی دو طیف از موضوعات را دربرمی گیرند.

اول، مالیات‌ها و سایر هزینه‌های داخلی؛

دوم، قوانین، مقررات و ضوابط مؤثر بر فروش داخلی، پیشنهاد برای فروش، خرید، حمل‌ونقل، توزیع یا استفاده از کالاها، مقررات مقداری داخلی حاکم بر میزان ترکیبات و فرآوری یا استفاده از کالاها؛

در بند دوم ماده ۳ گات، اقدامات داخلی تنها به مالیات‌های داخلی و سایر هزینه‌های داخلی محدود بوده و از قوانین و مقررات صحبتی به میان نیامده است. اقدامات داخلی مدنظر در این بخش برای کالاهای خارجی نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سخت‌تر از اقدامات داخلی برای کالاهای داخلی مشابه باشند.

در بند چهارم ماده ۳ گات، اقدامات داخلی منحصر به قوانین، مقررات و ضوابط داخلی مؤثر بر فروش داخلی، پیشنهاد برای فروش داخلی، خرید، حمل‌ونقل، توزیع یا استفاده از کالا است. چنین اقداماتی نباید منجر به رفتار با مطلوبیت کمتر در قبال کالای خارجی به نسبت کالای داخلی مشابه شود.^۱ شایان یادآوری است که مقررات مربوط به حمل‌ونقل داخلی ممکن است هزینه‌های متفاوتی را بر کالاهای خارجی به نسبت کالاهای داخلی مشابه وضع نماید. در صورتی که این گونه هزینه‌ها تنها براساس کارکرد اقتصادی وسیله حمل‌ونقل وضع شده باشند، تابع اصل رفتار ملی نبوده و منع نخواهد شد. در غیر این صورت (وضع هزینه‌های متفاوت براساس محل تولید کالا) به دلیل نقض رفتار ملی ممنوع است.^۲

مطابق ماده ۶ قانون مقررات صادرات و واردات کشور مصوب ۱۳۷۳: «اولویت حمل همه کالاهای وارداتی کشور با وسایل نقلیه ایرانی است، دستورالعمل مربوط به استفاده از وسایل نقلیه خارجی اعم از دریایی، هوایی، جاده‌ای و راه‌آهن را شورای عالی هماهنگی ترابری کشوری

امتیاز به بخش داخلی و یا اعمال محدودیت‌هایی برای رقبای خارجی، کفه ترازو را به نفع بخش داخلی سنگین کند.

صادقی، غفاری فرسانی. ۱۳۹۰. ص ۲۲۵)

^۱ در یک دعوا، دولت ایتالیا قانونی را به تصویب رساند که مطابق آن به کشاورزان، وام با نرخ پایین داده می‌شد، به شرطی که ماشین‌آلات ساخت داخل را خریداری کنند.

هیأت حل اختلاف گات این قانون را یک رفتار تبعیض آمیز نسبت به کالاهای وارداتی تلقی کرده و آن را خلاف ماده ۳

گات دانست. (شیروی. ۱۳۷۹. ص ۱۹)

^۲ دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه (۱۳۹۰)، سازمان جهانی تجارت، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.



بر اساس آئین‌نامه مصوب هیأت وزیران تهیه می‌نماید»^۱

هم‌چنین به موجب ماده ۱۰ از آئین‌نامه اجرایی قانون حمل‌ونقل و عبور کالاهای خارجی (مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۰): عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران منوط به سپردن وجه‌الضمان به شرح زیر خواهد بود:

الف) در مورد کالاهای مجاز مبلغی معادل حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارضی که به واردات قطعی آن کالا تعلق می‌گیرد.

ب) در مورد کالاهای مجاز مشروط و ممنوع‌الورود مبلغی معادل حقوق گمرکی، سود بازرگانی و سه برابر ارزش کالا...»

به موجب ماده ۵ قانون حمل‌ونقل و عبور کالای خارجی (مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲): «کلیه کالاهای ترانزیت خارجی که توسط شرکت‌های سهامی حمل‌ونقل بین‌المللی ایرانی دارای مجوز فعالیت از وزارت راه و ترابری حمل می‌گردند، از نظر سپردن وجه‌الضمان در حکم کالای مجاز تلقی شده،...».

هم‌چنین به موجب تبصره ۴ این ماده: «وجه‌الضمان موضوع این ماده به صورت سپرده نقدی و ضمانت‌نامه بانکی بوده...» که در ادامه همین تبصره و ماده ۵ قانون، شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی ایرانی می‌توانند به جای سپرده نقدی و یا ضمانت‌نامه بانکی از ضمانت‌نامه‌های تضامنی بانکی شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی و یا بیمه‌نامه‌های معتبر برای سپردن وجه‌الضمان استفاده کنند.^۲

مواد مورد اشاره از آنجا که اولویت حمل همه کالاهای وارداتی کشور را به وسایل نقلیه ایرانی

^۱ موادی از آئین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات در ارتباط با حمل کالاهای وارداتی و صادراتی:

- تبصره ماده ۱۲: «وزارت راه و ترابری (شورای عالی هماهنگی ترابری) با استفاده از روش‌های اقتصادی مشوق‌هایی برای حمل کالاهای صادراتی با وسایل نقلیه ایرانی پیش‌بینی می‌نماید»

- ماده ۱۳: شورای عالی هماهنگی ترابری کشور در ارتباط با اولویت حمل کالاهای وارداتی توسط وسایل نقلیه ایرانی اعم از دریایی، هوایی، جاده‌ای و راه‌آهن، دستورالعمل‌های مربوطه را با توجه به نکات زیر تصویب و جهت اجرا به کلیه ترجمان‌های ذی‌ربط ابلاغ خواهد نمود:

۱ - تعیین روش‌های مناسب برای کاهش تشریفات اداری و استفاده از ابزارهای اقتصادی به‌منظور گرایش صاحبان کالا به استفاده بیشتر از ناوگان ایرانی.

۲ - ایجاد تسهیلات برای وسایل نقلیه ایرانی.

^۲ خانی چهری، محمد (۱۳۹۰) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، پژوهش و تحلیل محتوا، تهران.

داده و برای حمل کالاهای عبوری خارجی امتیازات ویژه‌ای برای شرکت‌های حمل و نقل ایرانی در نظر گرفته و برای شرکت‌های ایرانی نسبت به شرکت‌های حمل و نقل خارجی قائل به اولویت و امتیاز شده است و این اولویت بر اساس کارکرد اقتصادی وسیله حمل و نقل وضع نشده (بند ۴ ماده ۳ گات) برخلاف اصل رفتار ملی بوده و باید این اولویت حذف شود.^۱ علاوه بر این اگر این مواد از دیدگاه ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ نیز یک اقدام محدودکننده تلقی شود، در این صورت مغایر با آن خواهد بود.

علاوه بر موارد فوق قانون مقررات صادرات و واردات کشور به موضوع مهم حمایت مؤثر از تولید داخلی که در مورد کالاهایی که تولید داخلی آن‌ها به مقدار نیاز کشور نیست و به ناچار از خارج وارد می‌گردد، توجه نموده است. ماده ۲۱ این قانون مقرر می‌دارد که باید به نحوی سهم واردات تعیین گردد که حمایت مؤثری از تولید داخلی به عمل آید. این ماده هیأت وزیران را موظف کرد تا به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی و تنظیم سیاست بازرگانی کشور، ضمن رعایت حال مصرف‌کنندگان، ظرف مدت دو ماه تمهیداتی نسبت به تهیه لایحه قانونی حقوق گمرکی کالاهای وارداتی بنماید. این ماده هرچند به دلیل منقضی شدن مدت مذکور لغو شده است ولیکن قانون امور گمرکی بافاصله حدود ۱۷ سال در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید. در این قانون نیز هدف حمایت از تولیدات داخلی دنبال شده است، اما نه به صراحت قانون مقررات صادرات و واردات. از جمله بند (د) ماده ۱ این قانون که حقوق ورودی را شامل موارد ذیل می‌داند؛ حقوق گمرکی معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالا، سود بازرگانی که توسط هیأت وزیران تعیین می‌گردد و وجوهی که به موجب قانون، گمرک مسئول وصول آن است. سود بازرگانی مذکور در این ماده که توسط هیأت وزیران تعیین می‌شود ممکن است در برهه‌ای از زمان برای حمایت از تولیدات داخلی بسیار بالا تعیین گردد. در همین زمینه تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده مقرر می‌دارد: «نرخ حقوق ورودی علاوه بر رعایت سایر قوانین و مقررات باید به نحوی تعیین گردد که: الف) در راستای حمایت مؤثر از اشتغال و کالای تولید یا ساخت داخل در برابر کالاهای وارداتی باشد؛ ...»

^۱ صادقی، محسن و غفاری فارسانی (۱۳۹۰) مغایرت‌های مقررات حمل و نقل ریلی ایران با اصول سازمان تجارت جهانی (WTO) و ارائه راهکار، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳.

بنابراین مواد فوق به دلیل صراحت در حمایت مؤثر از تولیدات داخلی با ماده ۳ گات مغایرت دارد و باید حذف یا اصلاح گردد و یا اینکه در مذاکرات ابتدایی حدود آن مورد توافق قرار بگیرد.

برای حمایت از بخش‌های تولید داخلی در قالب تعرفه و سایر محدودیت‌ها که عمل متقابل نسبی بر آن استوار است، ترتیباتی در گات ۱۹۹۴ پیش‌بینی شده است. در این راستا به‌ویژه باید به ماده ۱۸ گات اشاره داشت که تصریح می‌کند ممکن است برای برخی اعضا ضرورت داشته باشد که به منظور اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی تنظیمی، اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات مؤثر بر واردات را اتخاذ نمایند. از این رو اعضای مزبور باید از تسهیلات اضافی بهره‌مند شوند تا بتوانند انعطاف کافی را در ساختار تعرفه خود جهت اعطای حمایت تعرفه‌ای برای تأسیس صنعتی خاص حفظ کنند. بدین ترتیب می‌توان از صنایع نوین با استفاده از تعرفه و سایر اقدامات حمایت به عمل آورد.^۱

بنابراین ضمن امکان حمایت از تولیدات داخلی با رعایت چارچوب ماده ۱۸، کلیه مقررات قانونی به‌ویژه در قانون مقررات صادرات و واردات که رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به کالاهای وارداتی دارند و از دیدگاه ماده ۱۸ گات ۱۹۹۴ قابل توجیه نیست، باید اصلاح شود. از جمله اقداماتی که در این زمینه انجام گرفته، این است که ماده ۱۵ قانون مقررات صادرات و واردات که عوارض گوناگونی از قبیل سود بازرگانی، عوارض گمرکی، مابه‌التفاوت سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، حق ثبت سفارش، حق انحصار، عوارض شهرداری محل (تعاون)، عوارض هلال‌احمر، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، عوارض بندری، عوارض بهداری و غیره را مقرر

^۱ بند ۲ ماده ۱۸ گات ۱۹۹۴ « طرف‌های متعاقد هم‌چنین تأیید می‌کنند که ممکن است برای طرفه‌ای متعاقد موردنظر ضرورت داشته باشد که به منظور اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی طراحی شده برای ارتقای استاندارد عمومی زندگی مردم خود، اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات مؤثر بر واردات را اتخاذ نمایند و اینکه اقدامات مزبور تا جایی موجه‌اند که نیل به اهداف این موافقت‌نامه را تسهیل کنند. از این رو آنها توافق می‌کنند که آن طرفه‌ای متعاقد باید از تسهیلاتی اضافی بهره‌مند شوند تا بتوانند (الف) انعطاف کافی را در ساختار تعرفه خود جهت اعطای تعرفه‌ای برای تأسیس صنعتی خاص حفظ کنند و (ب) محدودیت‌های مقداری را در جهت حفظ تراز پرداخت‌ها به‌گونه‌ای اعمال کنند که ادامه سطح بالای تقاضا برای واردات که احتمال دارد بر اثر برنامه‌های توسعه اقتصادی به وجود آید، به‌طور کامل در نظر گرفته شود.»

نموده و وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و اقتصاد و دارایی را موظف نموده بود نرخ این عوارض را به گمرک اعلام نمایند تا وصول گردد. به موجب ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲ نسخ ضمنی شده است. این ماده ضمن اینکه حقوق گمرکی را به طور قطعی (۴٪) ارزش گمرکی کالا تعیین نموده با حذف عوارض متعدد مذکور در ماده ۱۵، وصول تمامی این عوارض را تنها تحت عنوان سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیات وزیران تعیین می‌شود مجاز می‌داند.^۱ به این ترتیب ایران برای الحاق به سازمان جهانی تجارت با ایراد اخذ عوارض و مالیات‌های متعدد از کالاهای ورودی مواجه نخواهد بود.^۲ زیرا تمامی عوارض و مالیات‌های مورد نظر دولت تحت یک عنوان (حقوق ورودی) اخذ می‌شود. البته این حقوق ورودی که سود بازرگانی آن متغیر است باید در چارچوب جداول تعرفه‌ای مورد توافق ایران و کشورهای عضو صورت پذیرد و از سقف تعیین شده در این جداول تجاوز نکند.

۳. محدودیت‌های وارداتی در گات

در مقررات گات تلاش شده تا به منظور حصول هدف موافقت‌نامه و برپایی سازمان جهانی تجارت از ایجاد محدودیت‌های وارداتی پرهیز شود. به موجب ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴، اعضا نباید هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه‌بندی، مجوزهای صادراتی و وارداتی یا از طرق دیگر در مورد ورود هر محصولی از سرزمین عضو دیگر و یا صدور هر محصولی که مقصد آن سرزمین عضو دیگر باشد وضع یا حفظ کنند، البته به جز تعرفه‌های تعیین شده و احتمالاً سایر محدودیت‌های مجاز که قبلاً مورد توافق قرار گرفته است. در اجرای سیاست تحدید واردات، محدودیت‌های وارداتی به صورت گوناگون در قانون مقررات صادرات و واردات ملاحظه می‌شود. این

^۱ بند (د) ماده ۱ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ با اندک تغییری نسبت به ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده تعریف «حقوق ورودی» را بدین شرح بیان می‌کند: «حقوق گمرکی معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالا به اضافه سود بازرگانی که توسط هیات وزیران تعیین می‌گردد به علاوه و جوهی که به موجب قانون، گمرک مسئول وصول آن است و به واردات قطعی کالا تعلق می‌گیرد ولی شامل هزینه‌های انجام خدمات نمی‌شود.»

^۲ بر اساس الزامات سازمان جهانی تجارت، دریافت هر گونه وجهی (غیر از هزینه‌ها) خارج از چارچوب تعرفه، برای ورود کالاهای سایر کشورهای عضو غیر مجاز است. این حقوق فقط بر اساس تعرفه تثبیت شده که باید مورد مذاکره قرار گیرد، وصول خواهد شد، اما وصول هر گونه وجهی حتی در قالب تعرفه باهدف کسب درآمد مالیاتی، از نظر مقررات سازمان جهانی تجارت مردود است. (طارم سری. ۱۳۷۶. ص ۱۲۲)

محدودیت‌ها به طبقه‌بندی کالاهای وارداتی و صادراتی، اخذ عوارض ویژه و تحدید ورود برخی کالاها، ثبت سفارش و قیمت‌گذاری کالاهای مستعمل بر پایه قیمت کالاهای مشابه نو، مربوط می‌شوند که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

بند اول ماده ۱۱ گات محدودیت‌های کمی و مقداری را به‌عنوان هرگونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی غیر از عوارض گمرکی و سایر عوارض و هزینه‌ها دانسته است. محدودیت‌های کمی و مقداری می‌توانند در اشکال مختلف از جمله سهمیه‌بندی، مجوزهای واردات، مجوزهای صادرات، ممنوعیت واردات و محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه اعمال شوند. در محدودیت‌های مقداری، ورود کالا به قلمرو سرزمینی بیش از مقدار تعیین شده ممنوع بوده و مجوز لازم صادر نمی‌گردد.

ماده یادشده هرگونه استفاده و اعمال محدودیت‌های مقداری از سوی اعضاء را چه در مورد واردات و چه در مورد صادرات ممنوع نموده است. بنگاه‌های تجاری دولتی که در ماده ۱۷ گات بدان پرداخته‌شده نیز از وضع محدودیت‌های مقداری منع گردیده‌اند. البته در این ماده، اعمال محدودیت‌های مقداری را در شرایط خاص مجاز دانسته که شامل محدودیت‌های موقتی برای جلوگیری از کمبود بحرانی مواد غذایی، محدودیت‌های موقتی برای رفع مازاد کالای داخلی تولیدشده که مستقیماً با کالای وارداتی قابل جایگزینی هستند و محدودیت‌های اعمال‌شده برای محصولات کشاورزی و شیلات می‌باشند. علاوه بر این، شرایط استثنایی عام تشریح شده در گات از جمله استثنای عمومی، استثنای امنیتی، مشکلات مربوط به تراز پرداخت‌ها و اقدامات حفاظتی اضطراری که در مواد ۱۲ و ۱۸ تا ۲۱ گات درج گردیده، نیز اجازه محدودیت‌های مقداری را می‌دهند.^۱

در ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات^۲ کالاهایی به‌عنوان «مشروط» تعریف شده است که ورود و صدور آنها مستلزم کسب مجوز خواهد بود. مشروط ساختن ورود کالا به اخذ مجوز

۱. دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه (۱۳۹۰)، سازمان جهانی تجارت، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۲. ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات کشور:

- کالای مجاز: کالایی است که صدور یا ورود آن با رعایت ضوابط نیاز به کسب مجوز ندارد.

- کالای مشروط: کالایی است که صدور یا ورود آن با کسب مجوز امکان‌پذیر است.

کالای ممنوع: کالایی است که صدور یا ورود آن به‌موجب شرع مقدس اسلام (به اعتبار خرید و فروش یا مصرف) و یا به‌موجب قانون ممنوع گردد.

اگر به عنوان یک عامل محدودکننده واردات تشخیص داده شود، با ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ مغایرت دارد. همچنین به موجب همین ماده ورود بعضی کالاها ممنوع است. طبق بند الف ماده ۲۰ گات، می توان از ورود و صدور کالاهایی که خلاف اخلاق عمومی است جلوگیری کرد، اما نمی توان اصولاً کالاها را به مجاز و غیرمجاز و مشروط و غیر مشروط و ممنوع تقسیم نمود از این رو این ممنوعیت اگر به دلایل امنیتی یا مسائل شرعی و عفت عمومی نباشد، هیچ توجیهی در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت نخواهد داشت.

مفاد بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات به موجب بند (ت) ماده ۱۶۵ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ لغو و مجدداً همین مفاد با اندکی تغییر در بندهای (ع)، (غ) و (ف) ماده ۱ همین قانون به شرح ذیل اصلاح گردیده است:

کالای مجاز: کالایی که صدور یا ورود آن با رعایت ضوابط نیاز به کسب مجوز ندارد.

کالای مجاز مشروط: کالایی که صدور یا ورود آن نیاز به کسب موافقت قبلی یک یا چند سازمان دولتی دارد.

کالای ممنوع: کالایی که صدور یا ورود آن بنا به مصالح ملی یا شرع مقدس اسلام به موجب قانون ممنوع است.^۱

تفاوت قابل توجه در اصلاحیه این ماده، در تعریف (کالای ممنوع) به چشم می خورد که به موجب آن با حذف حرف ربط «یا» قبل از عبارت «به موجب قانون» بر این بوده است که کلیه موارد ممنوعه را فقط به موجب قانون تعیین نماید حتی اگر صراحتاً خلاف شرع باشد. در همین خصوص بند (الف) ماده ۱۲۲ قانون امور گمرکی ورود قطعی «کالاهای ممنوعه براساس شرع مقدس اسلام و به موجب قانون» را ممنوع اعلام می نماید. به نظر هدف قانون گذار از اینکه کالاهای ممنوعه براساس شرع مقدس اسلام را منوط به تصریح در قانون نموده این است که از اختلاف نظر و بعضاً برخورد سلیقه ای در گمرک جلوگیری کند.

با این وجود با اضافه کردن عبارت «بنا به مصالح ملی» در بند (ف) ماده ۱ این قانون دست قانون گذار را در ایجاد ممنوعیت بیشتر باز گذاشته است. در این خصوص بند (ب) ماده ۱۲۲ همین قانون مقرر می دارد از جمله کالاهایی که ورود قطعی آن ممنوع است عبارت است از

۱. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۱)، لوح جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران نسخه ۳۴۰۱، ۱۳۹۱.

«کالاهای ممنوع شده به موجب جدول تعرفه گمرکی یا تصویب‌نامه‌های متکی به قانون»^۱ تبصره ۱ ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات نیز مقرر می‌دارد: « دولت می‌تواند بنا به مقتضیات و شرایط خاص زمانی، با رعایت قوانین مربوطه، صدور یا ورود بعضی از کالاها را ممنوع نماید».^۲ در مواد مذکور چنانچه محدودیت و یا ممنوعیت‌های موردنظر قانون‌گذار که طبق بند (ب) ماده ۱۲۲ قانون امور گمرکی ممکن است در آینده نیز تعیین شود، فراتر از سقف تثبیت‌شده تعرفه‌ها در توافقات اولیه باشد و یا نتوان خلاف نظم عمومی بودن آن را اثبات کرد با مقررات سازمان جهانی تجارت مغایرت دارد. البته نگارش بند الف ماده ۱۲۶ قانون امور گمرکی به نحوی است که در خصوص کالاهای ممنوع‌الصدور ایراد وارده بر ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات بر این ماده نیز وارد است.

بند الف این ماده مقرر می‌دارد: «کالاهای ممنوع‌الصدور بر اساس شرع مقدس اسلام و یا به موجب قانون». قانون‌گذار در این بند نیز همانند بند الف ماده ۱۲۲ کالاهای ممنوع‌الصدور را کالاهای ممنوع شرعی و قانونی می‌داند، ولیکن در خصوص کالاهای ممنوع‌الورود معیار ممنوع شرعی بودن، آن چیزی است که به موجب قانون مشخص می‌گردد، اما کالاهای ممنوع‌الصدور این قید را ندارد و نیازی نیست که خلاف شرع بودن صادرات کالایی حتماً در قانون ذکر شده باشد. به عبارتی اگر کالایی از نظر شرعی ممنوع باشد، اگر در قانون ذکر نشده باشد ورود آن ممنوع نیست اما صدور همان کالا ممنوع خواهد بود. امری که به دلیل نامشخص بودن و عدم تصریح در قانون و امکان اعمال سلیقه در صدور مجوز صدور ممکن است مورد ایراد سازمان جهانی تجارت قرار گیرد.

۴- موافقت‌نامه‌های ناظر به محدودیت‌های وارداتی

در رابطه با محدودیت‌های وارداتی علاوه بر مقرراتی که در موافقت‌نامه گات آمده، دو

^۱ ماده ۸ آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات نیز در دو بند مقرر می‌دارد: «الف) کالاهای ممنوعه قانونی عبارت

است از کالاهایی که ورود یا صدور آن به موجب قانون ممنوع شده است. ب) کالاهای ممنوعه توسط دولت شامل کلیه

کالاهایی است که در جدول ضمیمه مقررات صادرات و واردات یا دیگر مصوبات دولت غیرمجاز اعلام شده است.»

^۲ ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات نیز نحوه تعیین کالاهای قانونی و کالاهای ممنوعه توسط دولت

را بیان می‌دارد.

موافقت‌نامه «رویه‌های صدور مجوز ورود» و «موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی» وضع گردیده است که با کارکرد دوگانه خود هم امکان حمایت از تولید داخلی را فراهم می‌آورد و هم مقررات گات و اصول سازمان جهانی تجارت را رعایت می‌نماید.

۴-۱ موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود^۱

با توجه به اینکه رویه‌های صدور مجوز ورود یکی از مصادیق جدی موانع غیر تعرفه‌ای به شمار می‌رود و نیز از آنجا که شمار قابل‌توجهی از کشورهای در حال توسعه در راستای نیازهای تجاری، توسعه‌ای و مالی خاص خود از رویه‌های صدور مجوز ورود استفاده می‌کنند، برای آنکه استفاده از این رویه‌ها به گونه‌ای مغایر با اصول تعهدات گات ۱۹۹۴ صورت نگیرد، تعهدات کشورهای استفاده‌کننده عضو از این رویه‌ها در چارچوب موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود تعیین شده است.

این موافقت‌نامه حاوی این نکته است که رویه صدور مجوز باید ساده، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. به‌عنوان مثال، موافقت‌نامه از کشورها می‌خواهد که اطلاعات کافی در مورد نحوه اعطای پروانه واردات برای تجار منتشر کنند. این موافقت‌نامه هم‌چنین مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید سازمان جهانی تجارت را از تغییر رویه موجود و یا معرفی رویه جدید جواز واردات مطلع سازند. در همین راستا هیات‌وزیران به‌موجب مصوبه شماره ۹۹۵۶۲/ت ۳۷۱۷۸ ه مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۱ مفاد ماده ۴ آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات را به شرح ذیل اصلاح نمود: «وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول تعیین ضوابط، مقررات و استانداردهای صدور گواهی بهداشت انسانی، دامی و نباتی که برای ترخیص و ورود کالا رعایت آنها ضرورت دارد موظف هستند بدون در نظر گرفتن موافقت یا مخالفت خود با ورود یا صدور کالا، ضوابط یادشده را به وزارت صنعت معدن و تجارت اعلام نمایند و وزارت یادشده به‌صورت عام با انتشار در رسانه‌های گروهی به اطلاع واردکنندگان، صادرکنندگان و سازمان‌های اجرایی برساند، در غیر این صورت وزارتخانه یا سازمان مسئول نمی‌تواند از ترخیص کالاهایی که ضوابط آن را اعلام نکرده است جلوگیری نماید.»

¹ Agreement on Import Licensing Procedures (AIP)

در این موافقت‌نامه صدور مجوز به‌عنوان رویه اداری مورد استفاده برای رژیم‌های صدور مجوز ورود تعریف شده است که مستلزم تسلیم درخواست یا سایر اسناد به دستگاه‌های اداری مربوطه می‌باشد. در موافقت‌نامه، اعضاء تضمین کرده‌اند که به‌منظور جلوگیری از انحراف در تجارت که ممکن است از اعمال نامناسب این رویه‌ها ایجاد شود، رویه‌های اداری مورد استفاده برای صدور مجوز ورود را با در نظر گرفتن اهداف توسعه اقتصادی و نیازهای مالی و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو به ترتیبی که در موافقت‌نامه تفسیر شده انطباق دهند. به‌طور کلی و براساس تعاریف به‌عمل آمده در این موافقت‌نامه، رویه‌های صدور مجوز ورود به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱- رویه‌های صدور مجوز خودکار^۱ این رویه‌ها، از آن دست رویه‌هایی هستند که بر واردات کالاهای مشمول مجوز، اثرات محدودکننده تجاری نداشته باشند. یعنی اینکه هر شخصی که الزامات حقوقی مربوطه را برای فعالیت در عملیات وارداتی محصول مشمول مجوز رعایت کند، واجد شرایط برای درخواست و اخذ مجوز ورود باشد و همچنین درخواست‌های مجوز را در هر روز کاری بتوان تسلیم نمود تا مجوز ورود فوراً و حداکثر در ده روز کاری صادر شود.

۲- رویه‌های صدور مجوز غیر خودکار^۲: هرگونه رویه خارج از دامنه تعریف رویه‌های صدور مجوز خودکار، آن را در زمره رویه‌های غیر خودکار قرار خواهد داد.

کلیه اعضا تشویق و ترغیب شده‌اند در صورت لزوم از رویه‌های صدور مجوز خودکار استفاده به عمل آورند. همچنین پاسخ به تقاضاهای مجوز ورود غیر خودکار نایستی از ۳۰ روز تجاوز کند؛ و نیز در این رویه‌ها چنانچه محدودیت‌های مقداری و سهمیه اعمال می‌شود، باید میزان تخصیص این سهمیه‌ها به کشورهای ذینفع اطلاع داده شود و در تخصیص سهمیه‌ها توجه لازم به مقادیر اقتصادی و امکان واردات از منابع دوردست صورت گیرد.^۳

ماده ۸ قانون مقررات صادرات و واردات و ماده ۵ آئین‌نامه اجرایی آن ورود کلیه کالاهای قابل ورود را موکول به ثبت سفارش و اخذ مجوز ورود از وزارت بازرگانی با رعایت سایر

^۱ Automatic Import Licensing

^۲ Non- Automatic Import Licensing

^۳ - بیدآبادی، بیژن (۱۳۸۷)، سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار کشور)، تهران، انتشارات گیتی هنر.

مقررات نموده است.^۱ از آنجا که ثبت سفارش طبق مواد فوق الزامی است و برای چنین ثبتی ودیعه اخذ می‌شود، این اقدام علاوه بر موافقت‌نامه صدور مجوز ورود، می‌تواند از لحاظ ماده ۱۱ گات نیز اقدام محدودکننده واردات تلقی گردد.^۲

علاوه بر موارد فوق مطابق ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به صورت تجاری مستلزم داشتن کارت بازرگانی است. شرایط لازم برای صدور کارت بازرگانی در ماده ۱۰ آئین‌نامه اجرایی این قانون تعیین شده است. به موجب بند ۲ ماده ۱۰ این آئین‌نامه کارت بازرگانی توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به نام متقاضیانی که واجد شرایط لازم باشند برای مدت یک سال با رشته فعالیت خاص حسب درخواست متقاضی صادر که پس از تأیید توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت معتبر خواهد بود. برخی از این شرایط که می‌تواند جنبه محدودکننده داشته باشد عبارت است از: داشتن حداقل ۲۳ سال سن، داشتن حداقل مدرک دیپلم یا موارد جایگزین از جمله سه سال سابقه فعالیت در زمینه تجارت با تشخیص اتاق‌های بازرگانی، داشتن محل کسب متناسب با فعالیت، داشتن گواهی حضور و موفقیت در دوره‌های توجیهی و غیره. همچنین تودیع سپرده طبق ماده ۴۱ آئین‌نامه اجرایی^۳ جهت گشایش اعتبار برای ورود کالا نیز می‌تواند جنبه محدودکننده واردات داشته باشد.

در ایران غالب مجوزهایی که برای واردات برقرار می‌شود، محدودکننده می‌باشد. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالا به دلایل اقتصادی (حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می‌باشد. به ندرت اتفاق می‌افتد که وضع مجوز به منظور جلوگیری از

^۱ ماده ۸ قانون: «واردکنندگان کالاهای مختلف اعم از دولتی و غیردولتی جهت اخذ مجوز ورود و ثبت سفارش باید منحصراً به وزارت بازرگانی مراجعه نمایند. ...»

ماده ۵ آئین‌نامه: «با توجه به مفاد مواد (۱) و (۸) قانون مقررات صادرات و واردات که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود ورود کلیه کالاهای قابل ورود اعم از اینکه واردکننده از بخش دولتی یا غیردولتی باشد به استثنای موارد زیر موقوف به ثبت سفارش و اخذ مجوز ورود از وزارت بازرگانی با رعایت سایر شرایط مقرر خواهد بود.»

^۲ دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری (۱۳۸۷)، گزارش رژیم تجاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

^۳ ماده ۴۱ آئین‌نامه اجرایی: «ورود کالا به صورت تجاری منوط به گشایش اعتبار در بانک می‌باشد.»

واردات کالاهای باکیفیت نازل صورت گیرد. در صدور مجوزهای ورود برای کالاهای به اصطلاح «مشروط» طبق ماده ۱ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ و ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و مصوبه شماره ۵۹۱۷۴/ت/۲۱۰۹۲ هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۳ تقریباً در مورد تمامی کالاهای مشروط اجازه وزارت بازرگانی مورد نیاز است و وزارتخانه‌های دیگر نظیر وزارتخانه صنایع، کشاورزی، معادن، دفاع، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، نفت و مشابه آن در موارد مختلف می‌توانند اقدام به صدور مجوز ورود نمایند.

مجوزهایی که برای صادرات برقرار می‌شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرف‌کنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرف‌کنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می‌کنند مربوط می‌شود. در ایران علاوه بر وزارت صنعت، معدن و تجارت که همچون مورد واردات بیشتر مجوزها را در اختیار دارد. وزارتخانه‌های کشاورزی، بهداشت و درمان آموزش پزشکی نیز مرجع صدور مجوزهای صادرات می‌باشند.^۱

علاوه بر مجوزها، گواهینامه‌هایی برای واردات و صادرات وجود دارد که در مورد واردات عبارتند از:^۲

- گواهی استانداردهای اجباری^۳ برای برخی از اقلام (مانند مواد غذایی)
- گواهی بهداشت (مانند اقلام بهداشتی، آرایشی، غذایی و دارو) اخذ این گواهی از پروکراسی پیچیده‌ای برخوردار است و بسیار طولانی و زمان‌بر می‌باشد. در این ارتباط گاه صدور مجوز به اخذ پاسخ آزمایش‌ها مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی منوط می‌شود.
- گواهی قرنطینه دامی و نباتی
- گواهی سازمان انرژی اتمی

^۱ ماده ۱۲۷ قانون امور گمرکی: «ورود و ترخیص کالاها تحت هر یک از رویه‌های گمرکی که بنا به ملاحظات بهداشتی، قرنطینه‌ای، ایمنی و زیست‌محیطی و نظایر آن براساس قانون مستلزم اعلام نظر سازمان‌های مربوطه می‌باشد، موکول به اخذ گواهی از این سازمان‌ها است.»

^۲ ماده ۳ آئین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات: «وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که ورود یا صدور کالاهایی منوط به رعایت ضوابط استانداردها یا اخذ گواهی آنها، ...»

^۳ ماده ۶ آئین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات.

- گواهی وزارت ارشاد اسلامی
- گواهی وزارت پست و تلگراف و تلفن
- گواهی وزارت نیرو
- سایر گواهی‌ها حسب مورد^۱

در خصوص واردات کالا الزامات قانونی متعددی وجود دارد که واردکنندگان حسب مورد ملزم به رعایت آنها هستند. مقایسه الزامات قانونی مجوز ورود در ایران با موافقت‌نامه صدور مجوز ورود نشان می‌دهد که رویه‌های اداری ایران با مفاد این موافقت‌نامه فاصله زیادی دارد. اولاً دستگاه‌های زیادی در ایران در صدور مجوز ورود دخالت دارند و ثانیاً گواهینامه‌های متعددی در رابطه با واردات برخی از کالاها مورد نیاز است و این خود تعداد دستگاه‌های اداری را بیشتر می‌کند و رعایت اصل سهولت که در موافقت‌نامه مورد تأکید قرار گرفته را دچار مشکل می‌سازد. علاوه بر این مکانیزم صدور خودکار مجوز ورود در رویه‌های اداری ایران وجود ندارد.^۲

۲-۴ موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی^۳

موضوع ارزش‌گذاری گمرکی در ماده ۷ گات ۱۹۴۷ و در ماده مشابه در گات ۱۹۹۴ بیان شده است که در پایان دور اروگوئه موافقت‌نامه‌ای تحت عنوان «موافقت‌نامه اجرای ماده هفت گات ۱۹۹۴» یا «موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی» مورد پذیرش تمامی اعضا قرار گرفت. در ماده ۷ گات و موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی اصول عمومی نظام بین‌المللی ارزش‌گذاری بیان گردیده است که بر طبق آن ارزش‌گذاری گمرکی باید براساس ارزش واقعی کالای وارداتی و یا کالای مشابه صورت گرفته و نباید بر مبنای ارزش کالاهایی با منشأ ملی (داخلی)، ارزش غیرواقعی، موهوم یا سلیقه‌ای انجام شود. در این ماده ارزش واقعی کالا به‌عنوان قیمت کالا یا کالای مشابه پیشنهادی برای فروش در شرایط عادی و کاملاً رقابتی و در زمان و مکانی که توسط قانون کشور

^۱ ماده ۱۲۷ قانون امور گمرکی: «ورود و ترخیص کالاها تحت هر یک از رویه‌های گمرکی بنا به ملاحظات بهداشتی، قرنطینه‌ای، ایمنی، و زیست‌محیطی و نظایر آن بر اساس قانون مستلزم اعلام نظر سازمان‌های مربوط باشد، موکول به اخذ گواهی از این سازمان‌ها است.»

^۲ بیدآبادی، بیژن (۱۳۸۷)، سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار کشور)، تهران، انتشارات گیتی هنر.

^۳ Customs Valuation Agreement (CVA)

واردکننده مشخص شده تعیین می‌گردد.^۱

تبصره ماده ۴۲ آئین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات کشور، گمرک ایران را موظف کرده بود که کالاهای مستعمل موضوع این ماده را به استثنای چند مورد بر مبنای قیمت کالای نو مشابه قیمت گذاری نماید. مفاد این تبصره در خصوص قیمت گذاری کالاهای مستعمل بر مبنای قیمت کالای مشابه نو به موجب رأی دیوان عدالت اداری ابطال شده است. ولیکن قانون گذار مجدداً مفاد این تبصره را در ماده ۵ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ بیان نموده است. به موجب این ماده: «حقوق ورودی و هزینه‌های انجام خدمات بدون توجه به نو یا مستعمل بودن کالا طبق مأخذ مقرر، به ترتیب به وسیله گمرک یا اشخاص ارائه‌دهنده خدمت به پول رایج ملی وصول می‌شود.»

قیمت گذاری کالاهای مستعمل بر مبنای قیمت کالای مشابه نو در تعارض با ماده ۷ گات ۱۹۹۴ و موافقت‌نامه ارزش گذاری گمرکی است. چراکه مطابق ماده ۵ قانون مذکور، ارزش معاملاتی کالاهای مستعمل ملاک عمل نبوده و بدیهی است قیمت یا ارزش معاملاتی یک کالای مستعمل با کالای مشابه نو آن یکسان نیست تا از آن حقوق گمرکی یکسان اخذ شود. مورد مذکور از جمله مواردی است که می‌تواند در تعارض با مقررات فوق‌الذکر راجع به محدودیت‌های مقرر در گات ۱۹۹۴ و سایر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت قرار گیرد. البته نباید از نظر دور داشت که قانون گذار در تصویب قانون امور گمرکی جدید مفاد موافقت‌نامه ارزش گذاری گمرکی را مورد توجه قرار داده و در مواد ۱۴ الی ۱۷ این قانون به‌ویژه ماده ۱۵ مکانیزمی را مقرر داشته تا در ارزش گذاری گمرکی هرچه بیشتر قیمت واقعی کالا ملاک قرار گیرد.

۵- تشویق صادرات

درباره تشویق صادرات و توسعه صادرات غیرنفتی، حقوق داخلی ما امتیازات و تسهیلاتی را برای صادرکنندگان فراهم کرده است که مغایر با الزامات سازمان جهانی تجارت به نظر می‌رسد.

۵-۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۱

^۱. دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه (۱۳۹۰)، سازمان جهانی تجارت، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

ماده ۱۶ گات ۱۹۹۴ و موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به نقش دولت در توسعه صادرات پرداخته و محدوده و شرایط راجع به اعطای یارانه‌های ممنوع و غیرمجاز را بیان می‌دارد. مطابق این ماده یارانه‌های صادراتی از آنجا که برخلاف تجارت مشروع بوده و زمینه را برای تجارت غیرمنصفانه فراهم می‌سازد، ممنوع شده است.^۲

مطابق ماده ۱ موافقت‌نامه، یارانه به‌عنوان کمک مالی دولت یا هر نهاد عمومی در قلمرو سرزمینی یک عضو که به اعطای منفعتی منجر شود اطلاق می‌شود. بنابراین آنچه به‌عنوان یارانه در موافقت‌نامه در نظر گرفته شده باید دارای سه ویژگی «کمک مالی»، «انجام شدن از سوی دولت» و «منفعت رسانی» باشد.

علاوه بر این ماده ۲ موافقت‌نامه شرط دیگری را برای بررسی یارانه وضع نموده که به موجب آن تنها یارانه‌های خاص مشمول مقررات موافقت‌نامه قرار می‌گیرند.^۳ با توجه به اهمیت موضوع، از هر یک از شرایط ۴ گانه گفته شده تعریفی کوتاه ارائه می‌نماییم:

۱- کمک مالی

در موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، تنها اقدامات اتخاذی در قالب کمک مالی یا هر شکل از حمایت‌های درآمدی و قیمتی به همان معنای ماده ۱۶ گات به‌عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود. ماده ۱ موافقت‌نامه فهرستی از اقداماتی که کمک مالی به شمار می‌آید بیان داشته است.

۲- دخالت دولت یا هر نهاد عمومی

کمک‌های مالی زمانی یارانه تلقی می‌شوند که توسط یا به دستور دولت یا هر نهاد عمومی و یا با واگذاری از سوی آنها در قلمرو سرزمینی یک عضو انجام شوند. بنابراین یارانه‌ها تنها به

¹ Agreement on Subsidies and Countervailing Measures

^۲ قسمت (ب) ماده ۱۶ گات: «طرفه‌ای متعاقد تأیید می‌کنند که اعطای یارانه توسط یک طرف متعاقد برای صدور هر محصولی، ممکن است برای صادرات و واردات طرفه‌ای متعاقد دیگر آثاری زیان‌بار داشته باشد، در منافع عادی آنها اختلالی بی‌جهت به وجود آورد و مانع تحقق اهداف این موافقت‌نامه گردد».

^۳ علاوه بر موارد مذکور در بالا یارانه‌های مزبور در صورتی ممنوع هستند که پرداخت آنها از لحاظ قانونی یا حتی در عمل، طبق واقعیات موکول به عملکرد صادراتی واحد دریافت‌کننده یارانه یا موکول به استفاده بیشتر از کالاهای داخلی در قیاس با کالاهای وارداتی باشند (ماده ۳ موافقت‌نامه). (طارم سری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰)

کمک‌های مالی مستقیم دولتی محدود نبوده بلکه کمک‌های مالی نهادهای عمومی (زیرمجموعه دولت) نظیر شرکت‌های دولتی را نیز شامل می‌شود. حتی کمک‌های مالی نهادهای خصوصی نیز می‌تواند به‌عنوان یارانه در نظر گرفته شود به شرط آنکه چنین کار ویژه‌ای از سوی دولت یا نهادهای عمومی به نهادهای خصوصی واگذار شده و یا به دستور و مدیریت آنها انجام گیرد.

۳- اعطای منفعت

کمک‌های مالی از سوی دولت با هر نهاد عمومی یارانه محسوب نمی‌شوند، مگر آنکه به اعطای یک منفعت و سود بیانجامد. در برخی از موارد وجود منفعت و میزان آن بسیار روشن است که به‌عنوان نمونه می‌توان به کمک‌های بلاعوض اشاره نمود. باین حال در اکثر موارد تعیین این موضوع که کمک‌های مالی منجر به اعطای منفعت شده، دشوار به نظر می‌رسد. به‌طور مثال، چه زمانی اعطای یک وام، تزریق سرمایه یا خرید کالا از سوی دولت می‌تواند منفعتی ایجاد نماید؟ موافقت‌نامه دستورالعمل جامعی برای تشخیص منفعت در چنین مواردی ارائه ننموده، امارکن استیناف سازمان جهانی تجارت در دعوای کانادا و برزیل راجع به هواپیماهای ساخت برزیل در گزارش خود تا حدود زیادی رهنمودی را برای تعیین منفعت ارائه نموده که به‌موجب آن وجود منفعت باید از طریق مقایسه با بازار محل تعیین شود. به‌عنوان مثال اگر دولت وامی را در اختیار تولیدکننده با شرایطی به‌مانند شرایط اخذ وام از بانک‌های خصوصی قرار می‌دهد هرچند چنین وامی به‌منزله کمک مالی می‌باشد اما منجر به اعطای منفعت به تولیدکننده نمی‌گردد و بنابراین یارانه محسوب نمی‌شود.^۱

۴- خاص بودن یارانه‌ها

احراز ویژگی‌های سه‌گانه در تعریف یارانه‌ها به معنای آن نیست که هرگونه یارانه‌ای مشمول مقررات موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی خواهد بود، بلکه این موافقت‌نامه تنها به یارانه‌هایی می‌پردازد که در تخصیص منابع یک نظام اقتصادی اختلال و انحراف ایجاد می‌کند. فرض بر این است که یارانه غیر خاص یعنی یارانه‌های که به‌طور گسترده در یک نظام اقتصادی قابل دسترسی است، اختلال و انحرافی در تخصیص منابع ایجاد نمی‌نماید و بنابراین این نوع از یارانه‌ها تابع

^۱ دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه (۱۳۹۰)، سازمان جهانی تجارت، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی نیست. در مقابل یارانه‌های خاص یعنی یارانه‌هایی که به‌طور مشخص به یک بنگاه یا صنعت یا گروهی از بنگاه‌ها یا صنایع تعلق می‌گیرد می‌تواند منجر به اخلاف و انحراف در تخصیص منابع شوند و بر این اساس موضوع موافقت‌نامه تنها یارانه‌های خاص است.

در قانون مقررات صادرات و واردات مغایرت‌هایی با ماده ۱۶ گات و موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به چشم می‌خورد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۱- ماده ۱۲ قانون مقررات صادرات و واردات مقرر می‌دارد: «واردات قبل از صادرات مواد و کالاهای مورد مصرف در تولید، تکمیل، آماده‌سازی و بسته‌بندی کالاهای صادراتی به‌صورت موقت با ارائه تعهد یا سفته معتبر به گمرک، از پرداخت کلیه وجوه متعلقه به واردات، جز آنچه جنبه هزینه یا کارمزد دارد، معاف است.» این ماده به‌موجب بند (ت) ماده ۱۶۵ قانون امور گمرکی لغو شده است؛ اما ماده ۵۱ این قانون مفاد ماده ۱۲ قانون مقررات صادرات و واردات را تحت عنوان «ورود موقت برای پردازش» با تغییراتی بیان می‌دارد. به‌موجب این ماده: «ورود موقت برای پردازش، رویه‌های گمرکی است که بر اساس آن کالا می‌تواند به‌طور موقت به قلمرو گمرکی وارد شود تا ساخته، تکمیل، تعمیر یا فرآوری شده و سپس صادر شود. این رویه هم‌چنین شامل مواردی از قبیل تسریع‌کننده‌ها (کاتالیست‌ها) که در ساخت، تکمیل و فرآوری مصرف می‌شود نیز می‌گردد. کالاهای کمکی از قبیل روان‌کننده‌ها و ابزارآلات مشمول رویه ورود موقت برای پردازش نیست. محصولات به‌دست‌آمده محصولاتی می‌باشند که از ساخت، تکمیل، فرآوری و تعمیر کالاهایی که برای آنها مجوز استفاده از رویه ورود موقت برای پردازش اخذ شده به دست می‌آیند.» قانون‌گذار در این ماده برخلاف ماده ۴۸ همین قانون که ورود کالاهایی که به‌طور قطعی وارد می‌شود را منوط به پرداخت حقوق گمرکی و هزینه‌های انجام خدمات می‌نماید، ورود موقت برخی کالاها را به‌شرط اینکه برای پردازش در کالاهای صادراتی استفاده شود از پرداخت حقوق گمرکی معاف می‌نماید؛^۱ اما اگر همین کالا به‌طور قطعی وارد شود می‌بایست حقوق ورودی آن پرداخت گردد. هم‌چنین به‌موجب مفاد تبصره ۴ ماده ۲۷ آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات: «واردات مواد اولیه، قطعات، تجهیزات و ماشین‌آلات موردنیاز

^۱ بند (ج) ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی واردات موقت برای پردازش را از پرداخت حقوق گمرکی معاف می‌کند.



واحدهای تولیدی در ازای صدور محصولات تولیدی خود بلامانع است.»

در نتیجه مطابق مقررات فوق، دولت از دریافت وجوه متعلق به واردات کالاهایی که برای پردازش در کالاهای صادراتی استفاده می‌شود چشم‌پوشی کرده است. امری که با صریح بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مغایرت آشکار دارد؛ زیرا به موجب بند اخیر، اگر درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می‌شود، وصول نشود یا از آن چشم‌پوشی گردد، یارانه در مفهوم موافقت‌نامه محقق شده است؛ زیرا با عدم پرداخت وجوه متعلق به واردات از جانب برخی واردکنندگان عملاً مزیتی به آنان اعطا شده است.

مواد ۶۶ و ۶۹ قانون امور گمرکی که جایگزین ماده ۱۴ قانون مقررات صادرات و واردات و تبصره‌های ذیل آن است به ترتیب مقرر می‌دارد: «حقوق ورودی اخذشده از عین کالای وارداتی که از کشور صادر می‌گردد و مواد، کالاهای مورد مصرف و لوازم بسته‌بندی خارجی به کاررفته یا مصرف‌شده در تولید، تکمیل یا بسته‌بندی کالای صادرشده با رعایت مقررات این قانون و آئین‌نامه اجرایی آن با مأخذ زمان ورود کالا باید به صادرکننده مسترد گردد.»، «چنانچه کالای تولید داخلی به اشخاصی که در واردات کالای مشابه خارجی معافیت دارند فروخته شود، وجوه پرداختی برای ورود کالا، مواد، اجزاء و قطعات به کاررفته در تولید آن نیز طبق مقررات این قانون به فروشنده مسترد می‌گردد.»

ماده ۶۶ قانون امور گمرکی تکمیل‌کننده مفاد ماده ۵۱ این قانون است و تنها تفاوت در نحوه واردات اولیه می‌باشد؛ بدین معنا که ماده ۵۱ شامل آن دسته از کالاهای وارداتی می‌شود که به طور موقت و برای پردازش در کالای صادراتی وارد می‌شود، در حالی که ماده ۶۶ شامل واردات قطعی کالا می‌گردد که این کالا بعداً در جریان تولید کالای صادراتی به مصرف رسیده است. اجتماع این دو ماده، هدف واحد حذف عوارض از داده وارداتی که در محصول صادرشده مورد استفاده قرار گرفته‌اند را دنبال می‌کند. مفاد مواد فوق علاوه بر بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه، بر اساس ماده (الف) (۱) ۳ نیز، در زمره یارانه‌های ممنوع است. زیرا طبق ماده اخیرالذکر، یارانه‌هایی که در قانون یا در واقع به تنهایی یا به‌عنوان یکی از چند ضابطه دیگر موقوف به عملکرد صادراتی هستند، جزء یارانه‌های ممنوع قرار گرفته و مطابق ماده ۲-۳ موافقت‌نامه، یارانه خاص محسوب می‌شوند.^۱

۱. ترجمه طارم سری، مسعود و دیگران (۱۳۸۵) اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت: نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور

۳- مطابق ماده ۱۹ قانون یادشده: « دولت می تواند همه ساله وجوهی را تحت عنوان تشویق صادرات در بودجه سنواری منظور و به صورت کمک سود تسهیلات پرداختی بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیأت وزیران به صادرکنندگان پرداخت نماید». در این ماده از «کمک سود تسهیلات» سخن به میان آمده است که مقصود از آن، پرداخت قسمتی از سود وام‌هایی است که صادرکنندگان از بانک‌ها دریافت کرده‌اند. این گونه وجوه از مصادیق آشکار قسمت ۱ بند (الف) (۱) ماده ۱-۱ موافقت‌نامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی است که مطابق آن، «عمل دولت که متضمن انتقال مستقیم وجوه (مثلاً کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه)، انتقالات بالقوه مستقیم وجوه یا تعهدات باشد (مثلاً تضمین وام)، اعطای یارانه تلقی می‌گردد». (طارم سری و دیگران، ۱۳۸۵ ص ۹۴)

افزون بر آن، حکم ماده ۱۹ براساس بند (الف) ماده ۳-۱ نیز یارانه ممنوع محسوب می‌شود. مطابق این بند، یارانه‌هایی که در قانون یا در واقع به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به عملکرد صادراتی هستند، ممنوع خواهند بود. از آنجا که وجوه مذکور در ماده ۱۹ تنها برای صادرکنندگان در نظر گرفته شده و آنان را در موقعیتی بهتر از دیگر تولیدکنندگان که محصولاتشان در داخل به فروش می‌رسد، قرار می‌دهد از مصادیق بارز یارانه‌های ممنوع بوده و در جهت همگامی با نظام سازمان جهانی تجارت باید اصلاح شود.

علاوه بر این برای حمایت از صادرات کشور ماده واحده قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ مقرر می‌دارد: «از تاریخ تصویب این قانون، صادرات کالا و خدمات از پرداخت هرگونه عوارض معاف است.» و هم‌چنین به موجب بند (ب) ماده ۱۰۴ قانون برنامه پنجم توسعه کشور: «اخذ هرگونه عوارض و مالیات از صادرات غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع است.» در آخرین اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم (۱۳۹۴/۴/۳۱) نیز قانون‌گذار در ماده ۱۴۱ مقرر می‌دارد: «صد درصد (۱۰۰٪) درآمد حاصل از صادرات خدمات و کالاهای غیرنفتی و محصولات بخش کشاورزی و بیست درصد (۲۰٪) درآمد حاصل از صادرات مواد خام مشمول مالیات با نرخ صفر می‌گردد». با توجه به اینکه به موجب مقررات مذکور دولت از برخی درآمدهای خود به منظور تشویق صادرات چشم‌پوشی

می‌نماید، چنانچه این مقررات با مفاد موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی و ضمیمه‌های آن مغایرت داشته باشد نیاز به بازنگری و اصلاح خواهد داشت.^۱

۴- برپایه ماده ۲۰ قانون مقررات صادرات و واردات «دولت مکلف است که از ابتدای سال ۱۳۷۳ از واردکنندگان بخش‌های غیردولتی که به‌صورت تجاری کالا وارد می‌نمایند، برابر ۱ درصد (۱٪) از مجموع وجوه دریافتی بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کلیه کالاهای وارداتی را علاوه بر حقوق گمرکی و سود بازرگانی مقرر به‌عنوان عوارض ویژه دریافت و به‌حساب درآمد عمومی کشور واریز نمایند. همه‌ساله معادل ۱۰۰٪ مبالغی که از این بابت به‌حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌گردد از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال پیش‌بینی می‌شود با تصویب هیأت وزیران در اختیار دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار خواهد گرفت تا براساس آئین‌نامه اجرایی این قانون جهت تشویق و توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و همچنین راه‌اندازی صندوق تضمین صادرات، آموزش و تبلیغات بازرگانی به مصرف برسانند».

مفاد این ماده به‌موجب ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷ و بند (د) ماده ۱ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ نسخ‌ضمنی شده و در عمل ۱٪ مذکور در این ماده از واردکنندگان اخذ نمی‌شود.^۲ (سازمان توسعه تجارت ایران، دفتر مقررات صادرات و واردات، ۱۳۹۴، ص ۶) به‌موجب این مواد آنچه به‌عنوان حقوق ورودی اخذ می‌شود؛ عبارت از حقوق گمرکی معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالا به همراه سود بازرگانی است که توسط هیأت‌وزیران تعیین می‌شود. تبصره ماده ۴۱ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مقرر می‌دارد: «نرخ حقوق ورودی علاوه بر رعایت سایر قوانین و مقررات باید به نحوی تعیین گردد که: الف) ... ب) دربرگیرنده نرخ ترجیحی و تبعیض‌آمیز بین واردکنندگان دولتی با بخش‌های خصوصی، تعاونی و غیردولتی نباشد.» به‌موجب بند (ب) این تبصره ایرادی که در ماده ۲۰ قانون مقررات صادرات و

^۱ به‌موجب ضمیمه ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی یکی از موارد یارانه‌های ممنوع، معافیت از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم به خاطر صادرات است.

^۲ سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۹۴)، دفتر مقررات صادرات و واردات، «مقررات صادرات و واردات سال ۹۴»، تهران.

واردات بود که بین واردکنندگان دولتی و غیردولتی قائل به تبعیض می‌شد، رفع گردیده است.^۱

۵- طبق ماده ۱۲ آئین‌نامه اجرایی قانون مورد بحث « حمل کالاهای صادراتی کشور با وسایل نقلیه خارجی مجاز است و نیاز به کسب مجوز شورای عالی هماهنگی ترابری کشور و وزارت راه و ترابری ندارد.

تبصره: وزارت راه و ترابری (شورای عالی هماهنگی ترابری) با استفاده از روش‌های اقتصادی مشوق‌هایی برای حمل کالاهای صادراتی با وسایل نقلیه ایرانی پیش‌بینی نماید.»

توسل به این مقرر نیز صراحتاً با ضمیمه ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۲ مغایرت دارد و به‌منظور الحاق به سازمان جهانی تجارت می‌بایست اصلاح گردد.^۳ (طارم سری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۴)

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت مطابقت قوانین داخلی کشور با مقررات این سازمان است. تراکم قوانین و مقررات در حقوق ایران ارزیابی روشنی از برخورد احتمالی قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و را با ابهام و سختی مواجه ساخته است. برخی قوانین کلان مانند قانون تجارت و اصلاحات بعدی آن، چنان با

^۱ بند ۱ ماده ۱۷ گات ۱۹۹۴: « (الف) هریک از طرفه‌ای متعاهد متعهد می‌شود که اگر بنگاهی دولتی را، هرکجا که واقع باشد، تأسیس یا حفظ کند یا به بنگاهی رسماً یا عملاً امتیازات انحصاری یا ویژه اعطا نماید، این بنگاه باید در خریده‌ها یا فروش‌های متضمن واردات یا صادرات، به گونه‌ای منطبق با اصول کلی رفتار غیر تبعیض‌آمیز مقرر در این موافقت‌نامه در مورد اقدامات دولتی مؤثر بر واردات یا صادرات تجار خصوصی عمل کند.»

^۲ یارانه‌های صادراتی ممنوع در ضمیمه ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مشخص شده‌اند که به‌طور کلی عبارتند از:

- پرداخت یارانه مستقیم توسط دولت به یک بنگاه یا صنعت به شرط داشتن عملکرد صادراتی؛
- اعطای جایزه صادراتی؛
- قائل شدن تسهیلات برای هزینه حمل و نقل داخلی محموله‌های صادراتی؛
- اجازه تخفیف‌های ویژه در ارتباط با عملکرد صادراتی؛
- بخشودگی یا استرداد هزینه‌های وارداتی؛
- معافیت از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم به خاطر صادرات؛
- ارائه برنامه‌های تضمین یا بیمه اعتبار صادراتی با نرخ بیمه بسیار نازل؛
- اعطای اعتبارات صادراتی با نرخ‌های پایین‌تر از نرخ‌های رایج.

^۳ طارم سری، مسعود (۱۳۷۵)، قانون مقررات صادرات و واردات و الزامات حقوقی سازمان جهانی تجارت، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

کاستی‌ها و ابهامات بسیاری درگیرند که دیرزمانی است که از قافله تحولات شتابند اجتماعی جامعه ایرانی فاصله شگرف اختیار نموده‌اند تا چه رسد به پیشرفت‌های شتابند اقتصاد جهانی و مقتضیات آن که بناست در چارچوب سازمان جهانی تجارت خود در زیر یک چتر هماهنگ شود. قوانین دیگر مانند قانون‌های برنامه پنج‌ساله توسعه، قانون بورس اوراق بهادار که باده‌ها آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، امید نامه همراه گردیده، بدون نگاه به احتمال پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت وضع گردیده و می‌گردند. قانون مقررات صادرات و واردات به‌عنوان شاخص‌ترین قانون در عرصه تجارت خارجی کشور خودنمایی می‌کند و بیشترین ارتباط را با مقررات سازمان جهانی تجارت دارد. بخش‌هایی از این قانون هم در تعارض با مقررات این سازمان است که بیشترین تعارض آن در سه حوزه حمایت از تولیدات داخلی، اعمال محدودیت‌های وارداتی و سیاست‌های مشوق صادرات است که به نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران طی مهر و موم‌های گذشته کوشیده است تا از این تعارضات بکاهد و گام‌های مهمی نیز در این راه برداشته است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تصویب قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ و اصلاحات متعدد در آیین‌نامه قانون مقررات صادرات و واردات اشاره کرد که سعی زیاد اما نه کافی برای حذف مغایرت‌ها و تعارضات موجود با موافقت‌نامه‌های سازمان در آن دیده می‌شود. با این حال بسیاری از مقررات قانون مقررات صادرات و واردات با اصولی از سازمان جهانی تجارت و نیز مقررات گات برخورد دارد و نیاز به بازبینی و اصلاح بنیادین داشته و یا اصولاً ممکن است وضع قانون صادرات و واردات جایگزین ضرورت می‌یابد.

از آنجاکه عنوان و هدف این نوشتار ابعاد حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه مقررات صادرات و واردات است، بنابراین تمرکز بحث بر قانون صادرات و واردات و برخی قوانین مرتبط قرار گرفت، و گرنه برای الحاق ایران به سازمان جهانی مورد بحث، قوانین و مقررات بسیار دیگری هستند که می‌بایست مورد بازبینی قرار گیرند و افزون بر آن مقدمات گوناگونی از جهت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و شاید فرهنگی تمهید گردد تا بستر تحقق پیوستن به سازمان جهانی تجارت فراهم شود که هر جنبه در جای خود و در نوشتاری جداگانه نیازمند بحث است.



منابع

-فارسی

- امیدبخش، اسفندیار، «اقتصاد سیاسی نظام تجارت جهانی و تجارت خارجی ایران»، تهران، میلاد نور، ۱۳۸۴.
- بیدآبادی، بیژن، «سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار کشور)»، تهران، گیتی هنر، ۱۳۸۷.
- ترجمه طارم سری، مسعود و دیگران، «اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت: نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه»، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.
- دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، «سازمان جهانی تجارت»، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۹۰.
- دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری، «گزارش رژیم تجاری خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، ۱۳۸۷.
- داودی، حمید و زمانی علویجه، فرزانه، «مجموعه تنقیح شده قانون مالیات‌های مستقیم»، تهران، ۱۳۹۵.
- ترجمه بینات، ابوالقاسم و دیگران، «چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت؛ دبیرخانه آنکتاد»، تهران، ۱۳۸۱.
- سازمان توسعه تجارت ایران، دفتر مقررات صادرات و واردات، «مقررات صادرات و واردات سال ۹۴»، تهران، ۱۳۹۴.
- خانی چهری، محمد «قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۹۰، پژوهش و تحلیل محتوا»، تهران، ۱۳۹۰.
- طارم سری، مسعود و دیگران، «آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه‌های صادراتی بخش صنعت»، تهران، ۱۳۸۵.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری، «لوح جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران نسخه ۱۳۴۰، ۱۳۹۱».
- نویدی، علی و جمال ارونقی، «مجموعه قوانین و مقررات امور گمرکی»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.
- شیروی، عبدالحسین، «سازمان تجارت جهانی (گات) اهداف، مبانی و ساختار»، مجله مجتمع



آموزش عالی قم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸.

- شیروی، عبدالحسین، «الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۵، بهار ۱۳۷۹.
- فیروزی، مهدی، «الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۴.
- صادقی، محسن و غفاری فارسانی، «مغایرت‌های مقررات حمل‌ونقل ریلی ایران با اصول سازمان تجارت جهانی (WTO) و ارائه راهکار»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- طارم سری، مسعود، «قانون مقررات صادرات و واردات و الزامات حقوقی سازمان جهانی تجارت»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.

-انگلیسی

- “ Understanding the WTO”, Fifth Edition, Geneva, World Trade Organization, 2011.
- <http://www.wto.org>
- <http://www.irtr.gov.ir>
- <http://www.irica.gov.ir>